

## درس ششم فصل دوم : امکان شناخت

- یکی از ویژگی های انسان، شناختن است .
- ما ، اشیا و پدیده های پیرامون خود را شناسایی می کنیم و از طریق این شناخت با آنها ارتباط برقرار می کنیم و از آنها استفاده می نماییم . اشیا و افراد را می بینیم، صدای آنها را می شنویم، و با حواسمان بسیاری از ویژگی های آنها را حس می کنیم .
- همین که با دیگری سخن می گوئیم، به سمت چیزی می رویم از چیزی دور می شویم و از خطرها فاصله می گیریم و به سمت چیزی که تمایل داریم ، می رویم ، ناشی از دانستن و شناختن است .
- گاهی درباره اموری برتر از حواسمان فکر می کنیم، مثلاً درباره گذشته یا آینده و درباره موجودات نامحسوس و جهانی غیر از جهان مادی اطراف ما ؛ ممکن است در این زمینه، نظر و باوری داشته باشیم .
- شکی نیست که ما موجودی هستیم که از خود و جهان پیرامون خود شناختی داریم .
- **می دانیم که شناخت ما از جهان، امری است که به تدریج حاصل می شود .**
- چنین نیست که از آغاز تولد همه چیز را می دانیم ، بلکه گام به گام با پدیده های جهان آشنا می شویم .
- **یعنی با عمل آموختن و یادگیری، در مسیر شناخت پیش می رویم .**
- می دانیم که علی رغم گستردگی شناخت و فهم ما از جهان و خود، شناخت ما محدود است و در کنار این دانسته ها و آموخته ها ، حقایق بسیاری در عالم هست که آنها را نمی شناسیم .
- **گاهی متوجه می شویم که بعضی از چیزهایی که فکر می کردیم می دانیم ، درست نبوده و ما دچار خطا شده ایم .**
- گاهی متوجه می شویم که افراد مختلف درباره موضوع واحد نظرها و باورهای متفاوت دارند .
- تأمل درباره مسائل مربوط به شناخت ، موجب می شود پرسش هایی درباره ابعاد گوناگون شناخت برای ما مطرح شود ؛ پرسش هایی مانند اینکه :
  - ✓ اساساً شناختن چیست؟ آیا اصولاً شناخت ممکن است؟
  - ✓ شناخت های ما تا چه اندازه ارزش دارند؟
  - ✓ راه های شناخت کدام اند؟
  - ✓ قلمرو شناخت چیست؟
- « معرفت شناسی » آن بخشی از فلسفه است که به خود پدیده شناخت می پردازد و درصدد است به این گونه پرسش ها پاسخ دهد . معرفت شناسی همیشه جزئی از فلسفه بوده است .
- هنگامی که فیلسوفی درباره موضوعی مانند هستی، جهان و انسان می اندیشد ، ناگزیر درباره خود اندیشیدن و شناخت دیدگاهی دارد .
- در گذشته برخی از مباحث معرفت شناسی در ضمن مباحث فلسفی طرح می شد .
- در دوره جدید ، به علت طرح پرسش های جدی و جدید درباره معرفت و ظهور دیدگاه های گوناگون، این بخش از فلسفه به صورت شاخه مستقلی درآمده که به آن « معرفت شناسی » یا « نظریه معرفت » می گویند .

## چیستی معرفت

- **معنا و مفهوم معرفت و شناخت، چنان روشن و بدیهی است که نیازی به تعریف ندارد.**
- حتی وقتی که از یک کودک می پرسیم « می دانی توپت کجاست » و او می گوید « آری می دانم » نسبت به معنای « می دانم » آگاه است. اگر ابهامی هم از جهت کلمه لغت باشد، حداکثر با بیان معادلی ابهام رفع می شود.
- مثلاً می گوئیم معرفت یا شناخت، همان دانستن و آگاهی نسبت به چیزی است. به عبارت دیگر، وقتی کسی می گوید « توپ آنجاست » بدین معناست که او به وجود توپ در آنجا آگاه و عالم است و ما بازای آگاهی او، یک توپ است که در آنجاست.

## امکان معرفت

- آیا ما می توانیم اشیا و موجودات جهان را بشناسیم و به آنها علم پیدا کنیم؟
- شاید از این پرسش تعجب کنید و بگویید این یک امر بدیهی و روشن است و نیازی به تحقیق و پیدا کردن دلیل ندارد.
- همین که ما با طرف مقابل خود صحبت می کنیم، یا لیوان آبی را برمی داریم و می نوشیم، یا از عمل کسی خوشحال یا عصبانی می شویم، گویای آن است که ما قدرت شناخت داریم؛ در غیر این صورت، ممکن نبود ما عملی انجام بدهیم.
- جالب است بدانیم به دلیل مسائل پیچیده ای که در زندگی انسان ها وجود دارد، گاهی همین امر بدیهی نیز چه در گذشته و چه در زمان حاضر انکار شده است.
- آری، **امکان معرفت یک امر بدیهی است.** همین که اکنون این کتاب را گشوده ایم و می خوانیم، به دلیل وجود هزاران هزار علم و معرفت در ماست.
- ما وجود خودمان را درک می کنیم، وجود افراد و اشیا پیرامون خود را حس می کنیم و کمترین تردیدی نداریم که اشیا در پیرامون ما هستند. بنابراین **کسی به طور طبیعی در امکان اصل معرفت شک نمی کند.**
- البته ما می دانیم که **حقایق بسیاری هم هست که ما نمی شناسیم.**
- ممکن است ما در توانایی خود برای شناخت برخی امور شک کنیم و مثلاً با خود بگوییم که « آیا ما می توانیم به همه اسرار مغز پی ببریم ؟ » اما این شک، غیر از شک در امکان اصل شناخت است.
- **پس هم معنای معرفت و هم امکان رسیدن به شناخت و معرفت برای هر انسانی روشن است.**
- بنابراین شکایت مطلق، یعنی شک در اصل دانستن و همه دانسته ها، امکان پذیر نیست و اگر کسی چنین نظری بدهد، گرفتار یک تناقض شده و همین نظر او با شک مطلق ناسازگار است.

## یک نشانه روشن

- از آنجا که بشر به طور طبیعی به امکان شناخت خود و پدیده های دیگر باور داشته و وجود اشتباه را به معنای ناتوانی بشر در کسب معرفت تلقی نمی کرده، از ابتدای زندگی خود روی زمین، برای درک جهان تلاش کرده و معرفت و شناخت خود را افزایش داده است. سرعت این افزایش نیز روز به روز بیشتر شده است، به طوری که می گویند در سال ۱۳۹۸ هجری شمسی نیمه عمر علم در جهان به سه هفته می رسد؛ یعنی هر سه هفته یک بار نیمی از دانش جهان کامل تر می شود. همین افزایش پیوسته علم، نشانه توانایی بشر در شناخت اشیای پیرامونی است.
- دانش بشر به دو صورت پیشرفت می کند و کامل تر می شود:

**اول) با دستیابی به دانش های جدید درباره اشیا؛**

**دوم) از طریق پی بردن به اشتباهات گذشتگان و تصحیح معلومات آنها.**

- به طور مثال از زمان بطلمیوس تاکنون، دانش ما درباره نظام کیهانی و ستاره ها و سیاره ها پیوسته هم تکمیل و هم تصحیح شده است.
- منجمان قدیم می دانستند که خورشید و ماه گرایی هستند که در آسمان قرار گرفته اند؛ اما فکر می کردند که این دو کره به دور زمین می گردند.
- دانشمندان بعدها فهمیدند که فقط ماه است که دور زمین می گردد و زمین خودش همین وضعیت را نسبت به خورشید دارد؛ یعنی زمین دور خورشید می چرخد.
- اینجا اشتباه منجمان قدیم اصلاح شد و نظر دیگر آنها که درست بود، باقی ماند.
- علاوه بر این، منجمان به تدریج متوجه شدند که سیارات دیگری هم به دور خورشید می گردند که همراه با زمین منظومه شمسی را پدید آورده اند.
- بدین ترتیب، دانش نجوم کامل تر شد.
- مدتی بعد دانشمندان پی بردند که نه تنها زمین در حال گردش است، بلکه خورشید و سیاره های پیرامون آن، (یعنی کل منظومه شمسی) نیز در فضای بی کران در حال حرکت اند و کره ساکنی تا به حال مشاهده نشده است. این نیز به معنای کامل تر شدن دانش قبلی بود.
- چرخه تکمیل دانش نجوم همچنان ادامه دارد و ممکن است به نتایج جدیدتری برسد.

گروه آموزشی عصر

[www.my-dars.ir](http://www.my-dars.ir)

## سوالات تشریحی

**۱- مقصود از اینکه یکی از ویژگی های انسان، شناخت است، چیست؟ توضیح دهید.**

ما انسان ها، اشیاء و پدیده های پیرامون خود را شناسایی می کنیم و از طریق این شناخت با آنها ارتباط برقرار می کنیم و از آنها استفاده می نماییم. اشیا و افراد را می بینیم، صدای آنها را می شنویم، و با حواسمان بسیاری از ویژگی های آنها را حس می کنیم. همین که با دیگری سخن می گوئیم، به سمت چیزی می رویم از چیزی دور می شویم و از خطرها فاصله می گیریم و به سمت چیزی که تمایل داریم، می رویم، ناشی از دانستن و شناختن است.

**۲- آیا شناختی که ما انسانها به دست می آوریم، دفعی است یا تدریجی؟ توضیح دهید.**

شناخت ما از جهان، امری است که به تدریج حاصل می شود. چنین نیست که از آغاز تولد همه چیز را می دانیم، بلکه گام به گام با پدیده های جهان آشنا می شویم.

**۳- ما انسانها چگونه در مسیر شناخت قرار می گیریم و آیا این شناختی به دست می آوریم محدود است یا نامحدود؟ توضیح دهید.**

ما انسان ها با عمل آموختن و یادگیری، در مسیر شناخت پیش می رویم. علی رغم گستردگی شناخت و فهم ما از جهان و خود، شناخت ما محدود است و در کنار این دانسته ها و آموخته ها، حقایق بسیاری در عالم هست که آنها را نمی شناسیم. بطوریکه گاهی متوجه می شویم که بعضی از چیزهایی که فکر می کردیم می دانیم، درست نبوده و ما دچار خطا شده ایم. همچنین گاهی متوجه می شویم که افراد مختلف درباره موضوع واحد نظرها و باورهای متفاوت دارند.

**۴- با تأمل درباره مسائل مربوط به شناخت، پرسش هایی درباره ابعاد گوناگون شناخت برای ما مطرح می شود؛ سه نمونه از این پرسش ها را بنویسید.**

اساساً شناختن چیست؟ آیا اصولاً شناخت ممکن است؟ شناخت های ما تا چه اندازه ارزش دارند؟  
راه های شناخت کدام اند؟ قلمرو شناخت چیست؟

**۵- اصطلاح «معرفت شناسی» را تعریف کنید.**

«معرفت شناسی» آن بخشی از فلسفه است که به خود پدیده شناخت می پردازد و درصدد است به پرسش هایی درباره ابعاد گوناگون شناخت پاسخ دهد. معرفت شناسی همیشه جزئی از فلسفه بوده است

**۶- تاریخچه طرح مباحث معرفت شناسی در دوره گذشته و جدید را بنویسید.**

در گذشته برخی از مباحث معرفت شناسی در ضمن مباحث فلسفی طرح می شد. اما در دوره جدید، به علت طرح پرسش های جدی و جدید درباره معرفت و ظهور دیدگاه های گوناگون، این بخش از فلسفه به صورت شاخه مستقلی درآمده که به آن «معرفت شناسی» یا «نظریه معرفت» می گویند.

## ۷- مقصود از «چیستی معرفت» را با ذکر مثالی توضیح دهید.

معنا و مفهوم معرفت و شناخت، چنان روشن و بدیهی است که نیازی به تعریف ندارد. حتی وقتی که از یک کودک می پرسیم «می دانی توپت کجاست» و او می گوید «آری می دانم» نسبت به معنای «می دانم» آگاه است. اگر ابهامی هم از جهت کلمه لغت باشد، حداکثر با بیان معادلی ابهام رفع می شود. مثلاً می گوئیم معرفت یا شناخت، همان دانستن و آگاهی نسبت به چیزی است. به عبارت دیگر، وقتی کسی می گوید «توپ آنجاست» بدین معناست که او به وجود توپ در آنجا آگاه و عالم است و ما بازای آگاهی او، یک توپ است که در آنجاست.

## ۸- آیا ما می توانیم اشیا و موجودات جهان را بشناسیم و به آنها علم پیدا کنیم؟ توضیح دهید.

آری، امکان معرفت یک امر بدیهی است. همین که اکنون این کتاب را گشوده ایم و می خوانیم، به دلیل وجود هزاران هزار علم و معرفت در ماست. ما وجود خودمان را درک می کنیم، وجود افراد و اشیا پیرامون خود را حس می کنیم و کمترین تردیدی نداریم که اشیا در پیرامون ما هستند. بنابراین کسی به طور طبیعی در امکان اصل معرفت شک نمی کند. اما به دلیل مسائل پیچیده ای که در زندگی انسان ها وجود دارد، گاهی این امر بدیهی نیز چه در گذشته و چه در زمان حاضر انکار شده است.

## ۹- کدام یک از این دو مفهوم زیر برای هر انسانی روشن است؟

الف) معنای معرفت ب) امکان رسیدن به شناخت و معرفت

هم معنای معرفت و هم امکان رسیدن به شناخت و معرفت برای هر انسانی روشن است.

## ۱۰- آیا شگاکیت مطلق، امکان پذیر است؟ چرا

خیر زیرا شک در اصل دانستن و همه دانسته ها، امکان پذیر نیست و اگر کسی چنین نظری بدهد، گرفتار یک تناقض شده و همین نظر او با شک مطلق ناسازگار است.

## ۱۱- دانش بشر به دو صورت پیشرفت می کند و کامل تر می شود، آن دو روش کدامند؟

اول) با دستیابی به دانش های جدید درباره اشیا؛

دوم) از طریق بی بردن به اشتباهات گذشتگان و تصحیح معلومات آنها.

گروه آموزشی عصر

www.my-dars.ir

## جاهای خالی را با استفاده از کلمات مناسب کامل کنید.

- ۱- یکی از ویژگی های انسان، .... است است که به ..... حاصل می شود. **شناختن - تدریج**
- ۲- انسان با عمل ..... و .....، در مسیر شناخت پیش می رویم. **آموختن - یادگیری**
- ۳- می دانیم که علی رغم گستردگی شناخت و فهم ما از جهان و خود، .... ما محدود است و در کنار این دانسته ها و آموخته ها، .... بسیاری در عالم هست که آنها را نمی شناسیم. **شناخت - حقایق**
- ۴- .... آن بخشی از فلسفه است که به خود پدیده شناخت می پردازد و درصدد است به پرسش هایی درباره ابعاد گوناگون شناخت پاسخ دهد. **معرفت شناسی**
- ۵- معرفت شناسی همیشه جزئی از ..... بوده است. **فلسفه**
- ۶- در گذشته برخی از مباحث معرفت شناسی در ضمن مباحث .... طرح می شد اما در دوره جدید، به علت طرح پرسش های جدی و جدید درباره معرفت و ظهور دیدگاه های گوناگون، این بخش از فلسفه به صورت شاخه مستقلی در آمده که به آن معرفت شناسی یا .... می گویند. **فلسفی - نظریه معرفت**
- ۷- معنا و مفهوم معرفت و شناخت، چنان .... و .... است که نیازی به تعریف ندارد. **روشن - بدیهی**
- ۸- هم .... معرفت و هم .... رسیدن به شناخت و معرفت برای هر انسانی روشن است. **معنای - امکان**
- ۹- ....، یعنی شک در اصل دانستن و همه دانسته ها، امکان پذیر نیست و اگر کسی چنین نظری بدهد، گرفتار یک .... شده و همین نظر او با شک مطلق ناسازگار است. **شکاکیت مطلق - تناقض**
- ۱۰- دانش بشر با دستیابی به .... درباره اشیاء و از طریق پی بردن به اشتباهات گذشتگان و .... آنها، پیشرفت می کند و کامل تر می شود. **دانش های جدید - تصحیح معلومات**

گروه آموزشی عصر

www.my-dars.ir

تعیین کنید کدام عبارت صحیح و کدام غلط می باشد.

- ۱- یکی از ویژگی های انسان، شناختن است. **درست**
- ۲- همین که با دیگری سخن می گوئیم، به سمت چیزی می رویم از چیزی دور می شویم و از خطرها فاصله می گیریم و به سمت چیزی که تمایل داریم، می رویم، ناشی از دانستن و شناختن است. **درست**
- ۳- شکی نیست که ما موجودی هستیم که از خود و جهان پیرامون خود شناختی داریم. **درست**
- ۴- شناخت ما از جهان، امری است که به تدریج حاصل نمی شود بلکه امری دفعی است. **نادرست**
- ۵- انسان با عمل آموختن و یادگیری، در مسیر شناخت پیش می رویم. **درست**
- ۶- علی رغم گستردگی شناخت و فهم ما از جهان و خود، شناخت ما محدود نیست و در کنار این دانسته ها و آموخته ها، حقایق بسیاری در عالم هست که آنها را می شناسیم. **نادرست**
- ۷- گاهی متوجه می شویم که بعضی از چیزهایی که فکر می کردیم می دانیم، درست نبوده و ما دچار خطا شده ایم. **درست**
- ۸- تأمل درباره مسائل مربوط به شناخت، موجب می شود پرسش هایی درباره ابعاد گوناگون شناخت برای ما مطرح شود. **درست**
- ۹- «انسان شناسی» آن بخشی از فلسفه است که به خود پدیده شناخت می پردازد و درصدد است به این گونه پرسش ها پاسخ دهد. **نادرست**
- ۱۰- معرفت شناسی همیشه جزئی از فلسفه نبوده است. **نادرست**
- ۱۱- هنگامی که فیلسوفی درباره موضوعی مانند هستی، جهان و انسان می اندیشد، ناگزیر درباره خود اندیشیدن و شناخت، دیدگاهی دارد. **درست**
- ۱۲- در گذشته برخی از مباحث معرفت شناسی در ضمن مباحث فلسفی طرح می شد. **درست**
- ۱۳- در دوره جدید، به علت طرح پرسش های جدی و جدید درباره معرفت و ظهور دیدگاه های گوناگون، این بخش از فلسفه به صورت شاخه مستقلی درآمده که به آن «معرفت شناسی» یا «نظریه معرفت» می گویند. **نادرست**
- ۱۴- معنا و مفهوم معرفت و شناخت، چنان روشن و بدیهی نیست و نیازی به تعریف دارد. **نادرست**
- ۱۵- وقتی که از یک کودک می پرسیم «می دانی توپت کجاست» و او می گوید «آری می دانم» نسبت به معنای «می دانم» آگاه است. **درست**
- ۱۶- وقتی کسی می گوید «توپ آنجاست» بدین معناست که او به وجود توپ در آنجا آگاه و عالم است و ما بازای آگاهی او، یک توپ است که در آنجاست. **درست**
- ۱۷- هم معنای معرفت و هم امکان رسیدن به شناخت و معرفت برای هر انسانی روشن است. **درست**
- ۱۸- شکاکیت مطلق، یعنی شک در اصل دانستن و همه دانسته ها، امکان پذیر نیست و اگر کسی چنین نظری بدهد، گرفتار یک تناقض شده و همین نظر او با شک مطلق ناسازگار است. **درست**
- ۱۹- دانش بشر به دو صورت پیشرفت می کند و کامل تر می شود: با دستیابی به دانش های جدید درباره اشیا؛ و از طریق پی بردن به اشتباهات گذشتگان و تصحیح معلومات آنها. **درست**
- ۲۰- چرخه تکمیل دانش نجوم ادامه دارد و ممکن است به نتایج جدیدتری برسد. **درست**

## سوالات تستی

### ۱- کدام سوال به حوزه مسائل معرفت شناسی مربوط نمی شود؟

(۱) آیا یادآوری خاطرات خوشایند بر همه انسان ها تاثیر یکسان دارد؟

(۲) شناخت های ما تا چه اندازه ارزش و اعتبار دارند؟

(۳) آیا ما می توانیم به همه اسرار مغز پی ببریم؟

(۴) آیا ما می توانیم اشیا و موجودات جهان را بشناسیم و به آنها علم پیدا کنیم؟

گزینه ۱

### ۲- کدام مورد عبارت را به نحو درستی کامل می کند؟ معرفت شناسی بخشی از فلسفه است که به .... می پردازد؟

(۱) اعتبار روش تجربی (۲) وجود و هستی موجودات (۳) خود پدیده شناخت (۴) فلسفه هر علم

گزینه ۳

### ۳- کدام مورد بیانگر تفاوت اساسی معرفت شناسی دوره یونانی با معرفت شناسی دوره جدید است؟

(۱) در هر دو دوره برخی از مباحث معرفت شناسی در ضمن مباحث فلسفی طرح می شد.

(۲) در دوره یونان، مباحث معرفت شناسی در ضمن مباحث فلسفی طرح شد اما امروزه، نظریه معرفت شاخه مستقلی است.

(۳) در هر دو دوره یونانی و جدید، مباحث معرفت شناسی شاخه مستقلی بوده و هست.

(۴) در دوره یونان، مباحث معرفت شناسی شاخه مستقلی بود اما امروزه، در ضمن مباحث فلسفی طرح می شود. گزینه ۲

### ۴- تفاوت بین چستی معرفت و امکان معرفت این است که اولی ..... و دومی .....

(۱) نیازی به تعریف دارد - بدیهی و روشن است.

(۲) بدیهی و روشن است - نیازی به تعریف دارد.

(۳) بدیهی و روشن نیست - نیازی به تعریف دارد.

(۴) نیازی به تعریف ندارد - بدیهی و روشن است

گزینه ۴

### ۵- محتوای کدام عبارت با بدیهی و روشن بودن معنای معرفت و امکان رسیدن به شناخت سازگار است؟

(۱) شگاکیت مطلق، یعنی شک در معنای معرفت، و نه شک در امکان رسیدن به معرفت

(۲) شگاکیت مطلق، یعنی شک در امکان معرفت، و نه شک در معنای معرفت

(۳) شگاکیت مطلق، یعنی شک در اصل دانستن و همه دانسته ها، امکان پذیر نیست.

(۴) اگر کسی در همه دانسته ها شک کند گرفتار تناقض می شود و نظر او با شک مطلق سازگار است.

گزینه ۳

### ۶- نشانه توانایی بشر در شناخت اشیا پیرامون ... است و دانش بشر از طریق ... و ... پیشرفت می کند و کامل ترمی شود؟

(۱) افزایش پیوسته علم - پی بردن به نظریات گذشتگان و توضیح معلومات آنها و دستیابی به دانش های جدید درباره اشیا

(۲) چرخ تکمیل دانش نجوم - دستیابی به دانش های جدید درباره اشیا و پی بردن به اشتباهات گذشتگان و تصحیح معلومات

(۳) چرخ تکمیل دانش نجوم - پی بردن به نظریات گذشتگان و تصحیح معلومات و دستیابی به دانش های جدید درباره اشیا

(۴) افزایش پیوسته علم - دستیابی به دانش های جدید درباره اشیا و پی بردن به اشتباهات گذشتگان و تصحیح معلومات

گزینه ۳